

تاریخ تگاری بیزانس

دکتر محمد امیر شیخ نوری

دانشیار گروه تاریخ

دانشگاه الزهرا (س)

چکیده:

پس از انفراض امپراتوری روم در ۴۷۶ میلادی، امپراتوری بیزانس شکل گرفت که تا ۱۴۵۳ م در حکم پناهگاهی بود که از تمدن اروپای باختری پاسداری می‌کرد. بیزانس در طول تاریخ، سرمیانهای بسیاری را به تدریج از دست داد، اما قسطنطینیه، پایتخت آن، یازده قرن مقاومت کرد و در پناه برج و یاروی خود، عناصر یونانی، لاتینی، شرقی و مسیحی را در هم آمیخت و از این راه یافته‌های کهن یونانی و رومی را پس از سقوط نهایی به دست ترکان عثمانی در سال ۱۴۵۳ م، در عصر رنسانس به اروپای غربی منتقل کرد؛ و این از ویژگی‌های مهم این امپراتوری به حساب می‌آید.

در ایران، تاریخ بیزانس و مطالعات بیزانسی در مجتمع دانشگاهی و علمی مهجور مانده است و فقر منابع اصلی و یا حتی تحقیقاتی نیز بر ناشناخته ماندن تاریخ این امپراتوری افزوده است. در راستای این هدف، مقاله حاضر تاریخ تگاری بیزانس را مورد بررسی قرار می‌دهد.
وازگان کلیدی: بیزانس، قسطنطینیه، امپراتوری روم شرقی، تاریخ تگاری، اسلام و ترکان عثمانی، سلطان محمد فاتح، اروپای باختری، برابر.

مقدمه:

امپراتوری روم غربی در ۴۷۶ میلادی، در نتیجه بحرانهای داخلی و تهاجمات خارجی از پای درآمد اما امپراتوری روم شرقی همچنان دوام آورد و به حیات خود ادامه داد. قسطنطینیه، پایتخت روم شرقی، در جای کلنی قدیم یونان (بیزانس) بنا شد و تمام

قلمر و امپراتوری روم شرقی را به جهت نام پایتخت آن/امپراتوری بیزانس با به اختصار بیزانس نامیدند.

امپراتوری بیزانس با بوزانتیون (Byzantium) همان تداوم امپراتوری روم است در سده‌های میانه. امپراتوری روم از قرن‌ها قبل از میلاد شروع شد، در ۴۷۶ میلادی توسط بربرها منقرض شد و سپس تحت عنوان بیزانس تا سقوط قسطنطینیه در ۱۴۵۳ میلادی توسط ترکان عثمانی (در زمان سلطان محمد فاتح) ادامه داشت. (Lewick, P.1)

دولت بیزانس در زمان ساسانیان تاسیس شد و متصرفات آسیایی روم را به ارث برد. همچنین این دولت کشمکش‌های طولانی ایران و روم را نیز به ارث برده که اکنون بر دامنه آن افزوده نیز شده بود؛ زیرا جنگ‌های ایران و روم که قبلاً به خاطر مسایل ارضی بود، به خاطر حمایت دولت بیزانس از مسیحیان ایران که در برابر دین زردشتی، یعنی دین رسمی ساسانیان، روز به روز بر تعدادشان افروده می‌شد، جنبه مذهبی نیز پیدا کرده بود.

بیزانس تا سالی که ویران شد، برای تمدن اروپای باختری در حکم یک پناهگاه بود. اسلام‌ها از شمال، چادرنشینان از دشت‌های روسیه جنوبی، و سواران مهاجم از جلگه‌های قرقیزستان پی در پی به باروهای قسطنطینیه یورش می‌آوردند و امپراتوری هر بار برتری خود را بر این اقوام که با آزمندی به ثروت‌های شهر قسطنطینیه و ولایت‌های آن چشم دوخته بودند، ثابت می‌کرد. همچنین این امپراتوری قرن‌ها راه آسیا به اروپا را بر عربها بسته بود و از نفوذ آنان به اروپای خاوری و مرکزی جلوگیری می‌کرد. و سرانجام پلی برقرار ساخت تراه را برای دگرگون کردن فرهنگ چادرنشینان، اسلام‌ها و مردم اروپای غربی هموار سازد. (لوکاس . ص ۳۳۲) و یزگی بیزانس هم بالاخص در همین نکته نهفته است که توانست تمدن‌های مختلف را که در خود جمع کرده بود، در زمان رنسانس، یعنی پس از سقوط قسطنطینیه به دست ترکان، به اروپای غربی منتقل سازد.

به هر حال بسیاری از تاریخ نویسان، امپراتوری روم شرقی (بیزانس) را بازمانده تمدن غرب می‌دانند که توانسته است پس از انقراض امپراتوری روم غربی، مشعل تمدن را روشن

نگاه دارد. تاریخ این امپراتوری از ۳۹۵ تا ۱۴۵۳ م که بیش از هزار سال طول کشیده، بدین

شرح است:

الف. در ۳۹۵ میلادی امپراتور تئودوسیوس (Theodosius) امپراتوری روم را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم و بدین سان روم شرقی شکل گرفت و مدت‌ها پس از انقراض امپراتوری غرب (در ۴۷۶ میلادی) پایدار ماند؛

ب. بیزانس مراحل ترقی و انحطاط بسیاری داشت. مثلاً در زمان یوسٹی نیان (Ustinian, ۵۲۷-۵۶۷ م) در قرن ششم میلادی، حدود آن به ایتالیا و شمال آفریقا می‌رسید و در عصر لتوی سوم (۷۱۷-۷۴۱ م) در قرن هشتم میلادی، مسلمانان از سپاهیان بیزانس شکست خوردند؛

ج. امپراتوری بیزانس پس از سقوط قسطنطینیه به دست سلطان محمد فاتح در ۱۴۵۳ میلادی منقرض شد؛

د. علل دوام بیزانس را ثروت فراوان و موقعیت سوق‌الجیشی و ابتکارات امپراتوران آن می‌داند. (دولتشاهی، ص ۸۶)

تاریخ نگاری بیزانس

در طول ده قرن تاریخ بیزانس، یعنی از سقوط امپراتوری روم غربی در قرن پنجم (۴۷۶ م) تا عصر رنسانس که در قرن پانزدهم در ایتالیا اتفاق افتاد، در هیچ نقطه‌ای از اروپا، تاریخ نویسانی مانند تاریخ نویسان بیزانس پدید نیامدند. در قرون هفتم و هشتم میلادی، در تاریخ نگاری بیزانس وقفه‌هایی را مشاهده می‌کنیم اما در قرون نهم و دهم، دوباره رونق خود را بازیافت؛ که این امر احتمالاً بخاطر از دست رفتن نسخ خطی بوده باشد. در اواسط قرن نهم، فوتیوس (Photius) که بعداً اسقف اعظم قسطنطینیه شد، فهرست ۲۸۰ کتابی را که خود خوانده بود ذکر می‌کند و در این میان از آثار ۳۳ مورخ یونانی نام می‌برد که اغلب از آثار اوآخر امپراتوری روم و نیز دوره بیزانس هستند و از این آثار، حدود ۲۰ اثر امروزه مفقود شده است. (Encyclopaedia, britannica, Com) با این همه، بیزانس قرون هفتم و هشتم را یقیناً نمی‌توان با اروپای غربی که در آن دوره به عصر تاریک معروف بود مقایسه کرد.

مورخان بیزانس وارثان دو دیدگاه بودند:

۱. نوشه‌های کلاسیک یونان که دنباله تاریخ‌نگاری هلنیستی بودند؛

۲. نوشه‌های تاریخی مسیحی قرن چهارم.

از آثار مورخان لاتین صرفاً آثار کمی به یونانی ترجمه شد، لذا نفوذ ایشان بر بیزانس اندک بود. مورخان قدیمی‌تر و کلاسیک یونانی آثار خود را به سبک و شیوه‌ای می‌نوشتند که برای بیزانسی‌ها قابل استفاده باشد اما مورخان بیزانسی آثار خود را به سبکی عالمانه و ادبی می‌نگاشتند که برای اکثریت هموطنان خودشان غیرقابل فهم بود. از این رو، از قرن ششم به بعد وقایع نگارانی که پا به عرصه وجود گذاشتند به زبان عامیانه می‌نوشتند؛ و آثارشان به جای حقایق عقلانی بیشتر انباسته از تعصبات و افسانه‌های مذهبی بود و جالب آنکه بیزانسی‌ها هم بیشتر به خواندن این آثار علاقمند بودند. به هر حال، در آن دوره، کلیسا با تکیه بر سنت‌ها شدیداً بر عقول مردم تسلط داشت و هر گونه نوآوری، استقلال اندیشه و خصوصاً شکاکیت را منکوب می‌کرد. همه چیز، من جمله تاریخ، در خدمت ترویج الهیات مسیحی بود و احکام کلیسا به طور ناپسندی بر همه چیز سیادت داشت.

(یروفه بیف، ص ۱۸ - ۱۹)

مورخان بیزانس را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

۱. مورخانی که کم و بیش به طور واقعیت‌نامه سعی در نقل وقایع داشتند که می‌توان از

مورخان زیر نام برد:

الف. اوناپیوس (Eunapius) مورخی که از حمایت امپراتور ژولیان (Julian) نیز برخوردار بود؛

ب. پریسکوس پانیون (Priscus Panion) مورخی که در سال ۴۴۸ م به عنوان سفير به نزد آتیلا (Attila) به ماموریت رفت. دوره مطالعه‌وى سالهای ۴۳۳-۴۷۲ میلادی را دربر می‌گیرد؛

ج. زوسمیوس (Zosimus) مورخ نیمه دوم قرن پنجم میلادی.

۲. مورخانی که وقایع را به ترتیب زمان (کرونولوژی) نقل می‌کردند و این دسته معمولاً کشیش یا راهب بودند و تلاش آنان در جهت توجیه مسیحیت بود و همه حقایق گذشته را با انجیل می‌سنجدند:

الف. پانودوروس (Panodorus) مورخ اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم میلادی؛

ب. آنیانوس (Anianus) مورخ اوایل قرن پنجم میلادی؛

ج. مالالاس جان (Malas John) مورخ قرن ششم که کتابهایش در ۵۴۸ میلادی در هیجده جلد به نگارش در آمد. (Hussey, P. 234-237)

مورخان بیزانسی اغلب هرودت (۴۲۰-۴۶۰ ق.م.) (Herodotus) و تو سیدید (۴۰۰-۴۶۰ ق.م.) (Thucydide) را الگوی خود می‌دانستند، اما نفوذ آن دو برآثار بیزانس معمولاً اندک بود. تنها تاریخ نگاران قرن پانزدهم میلادی آثار خود را به طور جدی براساس نوشته‌های این دو مورخ قدیمی یونانی نگاشتند اما مورخان اوایل دوره بیزانسی بیش از همه از پولی‌بیوس (۱۲۵-۲۰۷ ق.م.) (Polybius) و پلوتارک (۱۲۰-۵۰ میلادی) (Plutarche) پیروی کردند و این دو مورخ هلنیستی اند که بر تفکر و سبک تاریخ نگاری مورخان بیزانسی بیشترین تأثیر و نفوذ را داشته‌اند.

اکثر مورخان بیزانسی، همچون پولی‌بیوس و مورخان معروف دیگر، ترجیح می‌دادند بیامون اوضاع زمان خود به نگارش پردازنند و در این محدوده کارهای قابل استفاده‌ای هم خلق کردند.

پولی‌بیوس برخلاف اکثر مورخان باستان زندگی نامه (اتوبیوگرافی) را خود را هم به نگارش در آورد و بنا به نفوذی که بر مورخان بیزانسی داشت، آنان نیز به تأسی از او به این کار اقدام کردند و از این رو اطلاعات نامحدودی را در اختیار محققان قرار داده‌اند. همان طور که گفته شد، اغلب آثار بر پایه شایعات و تعصبات رایج نوشته می‌شد و لذا در مقایسه با آثار مورخانی چون تو سیدید از قابلیت استفاده کمتری برخوردار هستند.

لازم به یادآوری است که تعداد زیادی از کتاب‌های تاریخی بیزانس توسط دولتمردان، مقامات عالیه و روحانیون بلندپایه، یعنی توسط افرادی که به اطلاعات مهم دسترسی

داشتند، به نگارش درآمده است که البته باید با آن‌ها نقادانه و با احتیاط برخورد کرد؛ اماً به هر حال هر کدام، آثار بسیار ارزشمندی هستند.

ضمیناً در قرن یازدهم در قسطنطینیه یک مدرسهٔ عالی تأسیس شد که در آن ادبیات عتیق و مسیحی و قوانین تعلیم داده می‌شد و دانش آموختگان این مدرسه برای شغل‌هایی چون معلمی، قضاؤت و مشاغل دولتی تربیت می‌شدند. (کاسیمنسکی، ص ۵۷)

همچین بیزانسی‌ها سفرنامه‌های زیادی داشتند. در زمان ژوستی نیان، تاجری به نام کوزما ایندیکوپلوف (Kozma Indicoplov) سفرنامه‌های جالبی دربارهٔ کشورهای شرق تدوین کرد. (کاسیمنسکی، ص ۵۷)

به وضعیت امپراتوری بیزانس در قرون آخر که برخی مورخان آن را دوران ضعف و یا به قولی دوران فاجعه‌آمیز بیزانس خوانده‌اند، در بخش معرفی تاریخ‌نگاران بیزانس اشاره خواهد شد.

مورخان بیزانس

۱. فیلوستورسیوس (Philostorgius)

مورخ قرن پنجم که از او اثری خلاصه شده و مختصر به دست ما رسیده است و حاوی اطلاعاتی دربارهٔ عرب‌ها نیز می‌باشد. بخشی از مطالب اثر او مورد استفاده مولفان متاخر قرار گرفته است. کتاب او در نیمة نخست سدهٔ پنجم میلادی به رشتهٔ تحریر کشیده شده، و تاریخ وقایع تا سال ۴۲۵ میلادی را در بر می‌گیرد. او در کاپادوکیه تولد یافت و در قسطنطینیه به تحصیل پرداخت. (پیگولوسکایا، ص ۴۲)

۲. پریسکوس پانیون (Priscus Panion)

مورخ قرن پنجم که در ۴۴۸ میلادی عضو هیئت اعزامی بیزانس به اردوگاه آتیلا بود و بهترین منبع اطلاعات در مورد پادشاه هون‌ها و اطرافیانش می‌باشد. قطعه‌هایی از تاریخ او موجود است و دوره سال‌های ۴۳۳ - ۴۷۲ را مورد مطالعه قرار می‌دهد. (Hussey,p.227)

۳. سوکراتس (Socrates)

مورخ قرن پنجم و از مسیحیان اصیل آین قسطنطینیه بود. کتابی نوشت به نام «تاریخ کلیسا» که از ۳۰۹ تا ۴۳۹ میلادی را در بر می‌گیرد. این کتاب نسبتاً دقیق و کاملاً بی‌غرضانه است، اما آکنده است از خرافات، افسانه‌ها و معجزات؛ و نویسنده به قدری اطلاعات داشته است که گویی خود، جهان بوده است.

وی در خاتمه کتاب از آشتی استنباط عجیبی دارد. او می‌گوید: اگر صلح برقرار شود، مورخان چیزی برای نوشتن نخواهند داشت و آن جماعت «سانحه‌سر» دیگر بیکار خواهند شد. (دورانت، ص ۱۵۴)

۴. سوزومن (Souzuman)

مورخ قرن پنجم و یک فلسطینی تازه مسیحی شده بود و مانند مقتصدای خود، سوکراتس، وکیل دعاوی بود و در پایخت می‌زیست. چنانچه از کتابش نیز پیداست، تحصیل حقوق او را از اعتقاد به خرافات باز نمی‌داشته است. (دورانت، ص ۱۵۴)

سوزومن، مؤلف تاریخ کلیسا، اثر خود را در نه جلد حدود سالهای دهه ۴۰ قرن پنجم میلادی تدوین کرد و آن را به امپراتور ثئودوسیوس دوم (Theodosius II) تقدیم نمود. این اثر حوادث سال‌های ۴۲۴ تا ۴۳۹ م را در بر می‌گرفت اما اینک صرفاً بخش‌هایی از آن که وقایع تا سال ۴۲۳ م را در بر می‌گیرد، باقی مانده است. او در کتاب خود، درباره تاریخ مسیحیت و تبعید مسیحیان به ایران و فلسطین مطالبی را به طور مستند و بر اساس مشاهدات خود نقل کرده است. (پیگولوسکایا، ص ۴۱)

۵. زوسموس (Zousimus)

مورخ قرن پنجم، در قسطنطینیه متولد شد و در حدود ۴۷۵ م کتاب تاریخ امپراتوری روم را تألیف کرد. وی مشرک بود، اما در زودباوری و خرافه‌بافی دست کمی از مسیحیان نداشت. (دورانت، ص ۱۵۴) وی طرفدار مکتب نوافلاطونی و ضد مسیحیت بود. کتاب تاریخ او پس از مرگش منتشر شد و می‌گوید که هدفش از نوشتن این کتاب آن بوده که نشان دهد انحطاط سیاسی و فرهنگی عصرش براثر عقوبی بوده که خدایان خود را فراموش کرده و به مسیحیت گرویده بودند. (Hussey, P.227)

۶. پروکوب (Procope)

وی از مورخان معروف قرن ششم بیزانس است که در قیصریه فلسطین متولد شد (۴۹۰ م)؛ و به تحصیل حقوق پرداخت؛ و سپس به قسطنطینیه آمد و به سمت منشی و مشاور حقوقی بلیزاریوس (Belisarius)، فرمانده مشهور ژوستی نیان، منصوب شد و در نبردهای سوریه، آفریقا و ایتالیا با آن سردار همراه بود.

در سال ۵۵۰ م کتاب جنگها را منتشر کرد؛ سپس کتاب تاریخ محترمانه (تاریخ سرسی) را نوشت؛ و کتاب ساختمانها را در ۵۶۰ م تدوین کرد. (دورانست، ص ۱۰۵)

تاریخ محترمانه تا پس از مرگ ژوستی نیانوس و شاید هم تا مرگ خود پروکوب منتشر نشد. نقصان این کتاب هر قدر هم بزرگ باشد، نمی‌توان منکر آن شد که برای کسانی که مایلند بدانند انسان‌ها در روزگارها و مکان‌های دیگر چگونه می‌زیسته‌اند، و می‌خواهند درباره چیزهای پلید و نفرت‌انگیز مطالعه کنند، این کتاب برای آنان جالب‌ترین خواهد بود. این کتاب نه فقط تاریخ سیاسی و نظامی، و نه تنها داستان‌هایی رسوایت‌دهنده و تلخ و افترا آمیز، بلکه شرحی روشن و زنده از زندگی آن دوران است. بیزانس سرشار از زیبایی و شکوه و نیز سرشار از فساد مذهبی و اخلاقی بود. (پروکوبیوس، ص ۳۱)

پروکوب گاه در موضوعاتی که خارج از دایرة تجربه و مشهودات خودش بود به خطاب می‌رفت؛ گاه از رسم و فلسفه هرودت پیروی می‌کرد؛ و گاه به توصیید تأسی می‌جست؛ و در خرافه پرستی عصر خود نیز سهیم بود؛ و با قلمفراسایی درباره بدشگونی‌ها، خوشی‌ها، معجزه‌ها، و روایاها مطالبش را از جلوه و جلا می‌انداخت؛ اما نقل او از مشاهداتش بسیار معتبر است. او در فن نوشتمن استاد بود؛ ربط و ترتیب مطالب او منطقی است؛ شرحش جذاب و کلام یونانیش روشن و صریح است؛ و تقریباً از خلوصی کلاسیک برخوردار است. (دورانست، ص ۵۵)

۷. آگاثیاس (Agathias)

مورخ قرن ششم، اهل آسیا و در شهر ایرین (Ayrine) به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی خود در اسکندریه، به دانشکده حقوق بیروت وارد شد و در ۵۲۶ م در عنفوان

جوانی، به قسطنطینیه آمد و عهده دار و کالت دادگستری و شهرت وی از همین جا آغاز می‌گردد. (مویدی، ص ۱۲۸)

وی تحقیقات پروکوب را تعقیب می‌کرد و اثر او از این جهت ارزشمند است که علاوه بر استفاده از منابع دیگر، از بایگانی سلاطین ساسانی در تیسفون نیز استفاده می‌کرد. مضافاً اینکه مطالب مربوط به زندگی ژوستی نیان، وقایع تاریخ ایران آن دوره را نیز بازگو می‌کند. (بیات، ص ۶۰) آگایاس هم مانند پروکوب مسیحی بود و عقیده داشت که مسبب جنگها، خودخواهی و نخوت انسان‌ها است نه خواست خداوند؛ و در رومیگری تعصب خاصی از خود نشان می‌داد.

در تحقیقاتش از مورخان قدیم نظیر هرودت تقليد می‌کرد و در اثر خود آثار توسيديد و گزنهون را به دقت مورد بررسی قرار داده است. از آن جا که کتب و اسناد مورد استفاده او امروز در دسترس نیست و به کلی از بین رفته‌اند، کتاب او از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ نیز از آن جا که به وسیله یکی از دوستانش به نام سرژ (Serge) از اخبار و وقایع روزانه سلطنتی ایران اطلاع حاصل می‌کرده، روایات و تأییفاتش در این باب ارزش فراوان دارد. (مویدی، ص ۱۲۸ - ۱۲۹)

۸. پیپلوباتریس (Pipelle Patrice)

مورخ قرن ششم، و یونانی بود؛ و در تسالونیک به دنیا آمد. وی یکی از وزرای معروف ژوستی نیان بود و زمانی از طرف دربار بیزانس به ماموریت‌های خارج نیز اعزام می‌گردید؛ چنانچه در زمان خسرو اول (= پادشاه ساسانی) به دربار ایران آمد و مورد احترام پادشاه ایران قرار گرفت اما در مأموریت بعد او را سه سال زندانی کردند.

از پیپلوباتریس سه کتاب باقی مانده است که متأسفانه هیچ کدام کاملاً به دست ما نرسیده است. کتاب اول درباره تاریخ روم از مرگ ژول سزار تا مرگ کنستانتین (۳۶۱ میلادی) می‌باشد؛ کتاب دوم درباره مناصب و مشاغل می‌باشد؛ که در فاصله سالهای ۵۴۸ تا ۵۵۳ میلادی منتشر شده است و در اهمیت آن همین بس که امپراتور کنستانتین هفتم پرفیروزن特 در قرن دهم میلادی در تألیف کتابش، تشریفات درباری، از آن استفاده کرده

است؛ و کتاب سوم درباره مذاکرات ایران و بیزانس بین سالهای ۵۶۲ - ۵۶۱ میلادی می‌باشد. (مویدی، ص ۱۲۹)

۹. منادر (Menander)

مورخ قرن ششم و فرزند یکی از قضات قسطنطینیه، که در سن جوانی به خدمت دولتی گمارده شد و در ۵۸۲ میلادی موریس امپراتور که از هنرمندان حمایت می‌کرد مقام منادر را نیز ارتقاء داد و بدینسان او به درجه عالی نظامی نایل آمد. با توجه به شغل اداری از نزدیک نامه‌ها و گزارشات بین بیزانس و همسایگانش (=بربرها) را به دقت بررسی می‌کرد و مدارک و اطلاعات ذی قیمت تاریخی را از آن میان استخراج می‌کرد. چون برای تدوین کتاب خود از تحقیقات و شواهد نظری استفاده نموده و اکثر آنها از مطالعه گزارش‌های سفرا یا از اسناد بایگانی شده در دربار تهیه و جمع آوری گردیده است، کتاب او از اهمیت تاریخی برخوردار می‌باشد. (مویدی، ص ۱۳۰)

منادر که فردی تحصیل کرده و از تعلیماتی وافر برخوردار بود، نه تنها مستقیماً در جریان امور پایتحت قرار داشت، از مأخذ شفاهی و اسناد کتبی سفارت، به ویژه از اطلاعات ارسالی از سوی پاتریکیوس (فرمانرو) پتروس استفاده می‌کرد. از او متن صورت جلسه قرارداد صلح مورخ سال ۵۶۱ میان روم شرقی و ایران بر جا مانده است. مواد ۵ - ۹ و ۱۱ این قرارداد مربوط به روابط امیرنشین‌های عرب با این کشورها و شرکت اعراب در امور بازرگانی ترانزیت و خواسته‌ای ارائه شده از سوی آنان به امید اتکا به نیروهای جنگی است. اسناد ارائه شده از سوی این مورخ که بخش‌هایی از آن بر جا مانده، از ارزش فراوان برخوردار است. (پیگولوسکایا، ص ۴۵ - ۴۶)

۱۰. سیریل اسکیثوبولیس (Cyril Skythopolis)

وی زندگی نامه راهبان و صحرانشینان را بر پایه روایات شفاهی محفوظ در سینه ساکنان دیرها و صومعه‌های مسیحی فلسطین و سوریه، و نیز بر مبنای ملاقاتها و مشاهدات شخصی تألیف می‌کرد. او در قرن ششم می‌زیست و در ۵۵۶ م مشاهدات زندگی نامه سبابی مقدس را نگاشت و یک سال بعد در ۵۵۷ میلادی از صومعه او دیدن کرد. سیریل زندگی نامه را با

زبانی ساده و گویا نوشته. شرح گذران زندگی، معيشت و عادات مردم در کتاب او، از ارزش فراوان برخوردار است. (پیگولوسکایا، ص ۴۷)

۱۱. دیونوسيوس (Denis سوتاه)

وی در حدود سال ۵۲۵ م برای اولین بار پیشنهاد کرد که مبنای تقویم تاریخ گذاری و قایع، از سال فرضی تولد مسیح شروع شود. اما پیشنهاد او تا قرن دهم از سوی کلیساي لاتینی مورد قبول واقع نشد، و بیزانسی ها تا پایان امپراتوری همچنان تاریخ خود را از بدو آفرینش جهان حساب می کردند. (دورانت، ص ۱۵۴)

۱۲. ماللاس (Malas)

مورخ قرن ششم م؛ سال تولد او ۴۹۱ و سال مرگش ۵۷۸ م است. وی درباره مزدکیان ایران اطلاعات مفیدی ارائه می دهد. (بیات، ص ۶۱) رویدادنامه ماللاس که ۱۸ جلد دارد، در انطاکیه و در دوران زندگی یوستینیان نوشته شده است. نگارش بخش دوم و آخر رویداد نامه یا جلد هیجدهم پس از مرگ امپراتور در قسطنطینیه به پایان رسید. ماللاس در این کتاب درباره دشواری های امپراتوری و خطر اعراب بحث کرده است. عدم جهت گیری، سادگی و بی طرفی در مبانی متن رویدادنامه و بیان حوادث، از ویژگی های برجسته این اثر تاریخی است. (پیگولوسکایا، ص ۴۶)

۱۳. اوگریوس مدرسی (Evagrius Scholasticus)

از مورخان کلیسايی و ادامه دهنده کار اوسيپيوس، سوزومن و ثودوريت است که در ۵۳۶ م در شهر اپيفانيا (Epiphania = حماة) در سوریه تولد یافت و پس از کسب دانش به عنوان حقوقدان در شهر انطاکیه اقامت گزید. او در نگارش اثر خود که درباره وقایع کلیساي افسوس (Ephesus) در فاصله سالهای ۴۳۱ تا ۵۹۳ م است از آثار اوستاثيوس اپيفاني (Eustathius) و یوحناي اپيفاني که تاکنون به دست ما نرسیده است، بهره جست. وی با رویداد نامه یوحناي ماللا (یوآننس ماللاس) و نوشته های پروکوب و مناندر نیز آشنایی

داشت. شیوه نگارش او ملایسم و حماسی، و برخورد او با مأخذ منصفانه است.
(پیگولوسکایا، ص ۴۳ - ۴۲)

۱۴. فنو فیلاست سیمو کاتا (Pheophylactus Simocatta) مورخ متبحر قرن هفتم، که در اثر خود از منابعی که به دست ما نرسیده، استفاده کرده است. او معاصر امپراتور هراکلیوس (هرقل) (۶۴۱ - ۶۱۰ میلادی) بود و درباره اعراب نیز مطالبی در کتاب او وجود دارد. او در «تاریخ» خود به لشکر کشی موریکیوس (موریق) (۵۸۲ - ۶۰۲ م) به ایران و به نقش منذر غسانی در این واقعه که به شکست بیزانسی‌ها انجامیده بود، اشاره کرده است - احتمالاً منذر در راضی کردن ایرانیان به مصالحه نقش داشته است. (پیگولوسکایا، ص ۴۶)

موضوع اصلی کتاب وی درباره مناسبات ایران و بیزانس در اوخر سده ششم م است. وی اطلاعات زیادی درباره تشکیلات داخلی ایران ارائه می‌دهد و با نظری صائب، نفاق و نزاع داخلی میان زمامداران سلسله ساسانی، از جمله شورش بهرام چوبین را تجزیه و تحلیل کرده است. (بیات، ص ۶۱)

۱۵. یوحنا موسخ به همراه شاگرد خود صفرونیوس (Sophronius) که بعدها به مقام بطريق اورشلیم ارتقا یافت، در اوخر سده ششم و اوایل سده هفتم از همه صومعه‌ها و دیرهای فلسطین و سوریه و مصر تا طیه (Thebes) دیدن کرد. یوحنا موسخ در مجموعه‌ای به عنوان فودوس روح (Pratum Spiritualum) داستانها، رویدادها و معجزات نگاشته شده از سوی پارسایان را جهت سرمشق و عبرت دیگران گردآورده است. (پیگولوسکایا، ص ۴۸) یوحنا در سال ۶۲۲ م فوت کرد.

۱۶. توفانس (Theophanes) متولد سال ۷۵۲ و در گذشته به سال ۸۱۸ م، که کتاب تاریخ خود را در فاصله سالهای ۸۱۰ و ۸۱۴ و در عصر شکوفایی خلافت عباسیان به رشته تحریر کشید و اطلاعات وسیعی درباره اعراب ارائه می‌دهد. صرف نظر از اهمیت نوشتۀ توفانس پیرامون فتوحات عرب

مسلمان در سده ۷ م، اثر مزبور مأخذ ارزشمندی در مورد تاریخ اعراب در سده‌های ماقبل نیز به شمار می‌رود.

۱۷. فوتیوس (Photius)

امپراتور بزیل (Basil ۸۸۶-۹۱۲ م) که خود آدمی‌بی سواد بود- و از این جهت تأسف می‌خورد- فرزندو جانشین خود، لئو (Leo ۸۶۷-۹۱۲ م)، مشهور به حکیم را به فوتیوس سپرد. نیجه آنکه عهد زمامداری لئو و پسرش کنستانس پورفیروگنیتوس (Porphyrogenitus ۹۰۹-۹۱۲ م) یکی از غنی‌ترین ادوار تاریخ ادبی بیزانس می‌باشد. به برکت کرم و فضوت آنان عالی‌ترین نفایس اعصار باستان در کتابخانه کاخ امپراتوری مضبوط شد و بر اثر رشحات کلک آنان یا دستیاران شان مطالبی تلخیص و گردآورده شد که مایه اقناع حس کنجدکاوی توده می‌شد. علاوه بر مجمع القوانین کشور، رموز کشاورزی و دامپروری و جنگ، یعنی وسایل تعزیه و هلاکت اینسانی بشر، هردو به یکسان با کوشش فراوان جمع آوری شد. آنان تاریخ یونان و روم را در پنجاه و سه عنوان یا فصل خلاصه کردند که از این میان فقط دو فصل (در بیان اعزام سفیران و در بیان فضایل و رذایل) از میان طوفان حوادث به یادگار برای ما مانده است. خواننده علاقمند - از هر درجه و طبقه که باشد - می‌تواند وضع دنیای گذشته را در نظر مجسم سازد. (گیون، ص ۵۷۴)

۱۸. نیک فروس قدیس (Nikephorus)

متولد ۸۱۵ میلادی، مورخ و متاله بیزانسی، در شورای دوم نیکیه (Nicea Nice) به عنوان نماینده غیردینی امپراتور شرکت داشت. بطرک شدن او توسط امپراتور نیک فروس در آن هنگام که هنوز وارد مسلک روحانیت نشده بود، سبب اعتراض گروهی از راهبان به سرپرستی قدیس ثنودوروس شد، ولی فتنه فرو نشست. قدیس نیک فروس با تمثال شکنی مخالف بود و امپراتور میخائل را نیز با خود موافق کرد. لئو پنجم نیک فروس را از این اعتقاد بر حذر داشت، اما نیک فروس تمکین نکرد و لذا خلخ و تبعید شد. وی در تبعید،

تاریخ مختصری درباره بیزانس سال‌های ۶۰۲ تا ۶۷۹ م و چندین رساله بر ضد تمثال شکنی تالیف کرد. (مصاحب، ذیل نیک فروس قدیس)

۱۹. سویداس (Suidas)

ادیبات و فن تاریخ نگاری، در بحرانهای سلسله هراکلیوس رو به زوال نهاد و مجدداً در قرن نهم و دهم رونق یافت. استادان این دوره، کتابها و رساله‌های فراوانی در زمینه‌های زبان، عروض، لغت‌نامه‌ها و تاریخ‌های عمومی، به نگارش درآوردند و توفان (در حدود ۸۱۴ م) و لشون، مشهور به شمامس، در این دوره بود که تواریخ‌شان را تألیف کردند.

(نوذری، ص ۳۱۲)

سویداس نیز در سده دهم واژه‌نامه و دانشنامه‌ای تدوین کرد که آن را با استفاده از آثار بسیاری گردآوری کرد که بیشترشان به دست ما نرسیده است. سویداس به دوران قبل از مسیح – یعنی دوران شرک – نیز همپای دوران مسیحی، نظر داشته و اثر او از این لحاظ برای پژوهندگان ادبیات یونان باستان ارزشمند است. (لوکاس، ص ۳۴۲)

۲۰. پسلوس میکائیل (Michael Psellus)

در قرن یازدهم تاریخ زمان‌خویش را به رشتة تحریر درآورد. وی مدرسی برجسته و یکی از مقامات بیزانس بود و حتی برای دوره‌ای درسیت مشاور ارشد امپراتوران بیزانس خدمت کرد. در کتاب خود تقریباً تماماً به اتفاقاتی می‌پردازد که در دربار بیزانس می‌گذشت و یکی از منابعی است که کمتر نوشته‌ای در چنین موضوعاتی به پای آن می‌رسد. ضمناً به فلسفه افلاطون دلبستگی زیادی داشت و در احیای آن می‌کوشید. وی درباره دستور زبان، طبیعتیات، حقوق، کلام، موسیقی، پژوهشکی و اخترشناسی نیز در کتاب خود مطالبی دارد. (کوتاس، ص ۶۴۵)

۲۱. آناکومیننا (Anna Komnena)

زندگی نامه نگار و دختر امپراتور الکسیوس اول (۱۰۸۱ - ۱۱۱۸ م) (Alexiusi) به شدت تحت تأثیر پسلوس بود و او را می‌ستود. اثرش به نام الکسیاد (Alexiad) جذابیت کمتری

داشت اما پس از آنکه بیزانس تحت رهبری پدر او به قدرت و اقتدار رسید، کتاب او نیز از اهمیت خاصی برخوردار شد. (Encyclopaedia Britannica, COM)

۲۲. زوناراس (Zonaras)

روحانی و وقایع نگار بیزانسی که اثر خود را در نیمة اول قرن دوازدهم به رشته تحریر در آورد. وی ابتدا فرمانده گارد امپراتوری در دوره الکسیوس اول بود، اما در زمان ژان دوم به کلیسا پیوست و راهب شد. در این دوره یک تاریخ عمومی نوشت که تاریخ جهان را از بد خلقت تا زمان الکسیوس در سال ۱۱۱۸ میلادی در بر می گیرد. کتاب او ۱۸ جلد است که در سال ۱۶۸۶ میلادی در پاریس چاپ شد. (Encyclopaedia Americana, V.29, P. 727)

۲۳. کدرنوس - گلوگاس (Kedernus - Glukas)

مورخ اواخر قرن یازدهم میلادی که مطالب سودمندی درباره ساسایان دارد. (بیات، ص ۶۲)

۲۴. نیسه تاس کوپیاتس (Nicetas Choniates)

یکی از مقامات عالی سلطنتی که حوادث تسخیر قسطنطینیه توسط صلیبیون چهارم را به رشته تحریر در آورده است. همچنین تاریخ قرون ۱۲ و ۱۳ بیزانس را در ۱۲ جلد نوشته است. (Encyclopaedia Britannica, Com.)

۲۵. اکروبولیتس جورج (Acropolites, George)

مشاور بانفوذ امپراتوران یونانی نیسه (Nicaea). که حوادث از ۱۲۰۳ میلادی (سال اشتغال بیزانس توسط صلیبی‌ها) تا فتح مجدد قسطنطینیه توسط بیزانسی‌ها در ۱۲۶۱ را در اثر خود گرد آورده است. (Encyclopedia Britannica, Com.)

۲۶. جان ششم (John VI)

در قرون سیزدهم و چهاردهم مورخان بیزانس عمیقاً تحت تاثیر مناقشات الهیون قرار داشتند. وی از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ م امپراتور بود و زندگی نامه نویس هم بود. (Encyclopedia Britannica, Com.)

(Sphrantzes george) ۲۷

مورخ و دیپلمات بیزانسی که کرونولوژی تاریخ بیزانس را از ۱۴۱۳ تا ۱۴۷۷ م به رشته تحریر در آورده است. او از دوستان نزدیک آخرین امپراتور بیزانس، کنستانتین یازدهم، بود. در اثر تاریخی اش مشاهدات خود را از تسخیر قسطنطینیه توسط سلطان محمد دوم عثمانی در ۱۴۵۳ به نگارش درآورده است. (Encyclopædia Britannica, Com)

(Laonicos Chalcocondyles) ۲۸

در حدود سالهای ۱۴۶۴ م اثری نوشت که درباره پیدایش دولت ترکها نیز قلمفرسایی کرده است. وی اثر خود را به تأسی از روش تاریخ نگاری هروdot تنظیم کرده است. (Encyclopedia Britannica, Com)

(Critobulus Imbros) ۲۹

مورخ قرن پانزدهم، که پیرامون فتح قسطنطینیه توسط سلطان محمد دوم، امپراتور عثمانی، به تأسی از روش تاریخ نگاری توسيید کتابی تألیف کرده است. وی درباره سلطان محمد فاتح کتابی تألیف کرده است که هفده سال اول از سی سال حکومت محمد دوم را نیز (۱۴۵۱ - ۱۴۶۸ میلادی) دربر می‌گیرد. (Encyclopedia Britannica, Com)

خلاصه فهرست کتب منتشره، در اروپا درباره بیزانس

۱. فرهنگ آکسفورد بیزانس، تألیف الکساندر کازدان در سه جلد در سال ۱۹۹۱ چاپ شده و تمام مطالعات بیزانس را بررسی می‌نماید؛
۲. فرهنگ بیوگرافی امپراتوری بیزانس، تألیف دونالد نیکول، در سال ۱۹۹۱ به چاپ رسیده و مرجع مفیدی به حساب می‌آید؛
۳. امپراطوری بیزانس به عنوان پدیده جغرافیایی، تألیف آلفرد فیلیپسون، چاپ ۱۹۳۹؛
۴. کلیسا و ادبیات مذهبی در امپراتوری بیزانس، تألیف هانس جرج بک، چاپ دوم، ۱۹۷۷؛

۵. اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در بیزانس، تألیف ارنست بارکر، چاپ دوم، ۱۹۶۱؛
۶. بیزانس، کلیسا، جامعه و تمدن از نگاه معاصر، تألیف دنو جان گینا کوپولس، چاپ ۱۹۸۴؛
۷. بیزانس، مقدمه‌ای بر تمدن روم شرقی، تألیف نورمان. اج، باهانس وب - موس چاپ ۱۹۶۹؛
۸. دنیای بیزانس، تألیف جی. آم. هوسی، چاپ ۱۹۷۰؛
۹. بیزانس، مقدمه‌ای درباره بیزانس، تألیف فیلیپ وايتینگ، چاپ ۱۹۸۱؛
۱۰. تاریخ سرزمینی بیزانس، تألیف جورج اوستروگورسکی، چاپ ۱۹۸۰؛
۱۱. تاریخ قرون وسطی کمبریج، جلد چهارم، چاپ ۱۹۶۷؛
۱۲. بیزانس، تألیف جان جولیوس نورویچ، سه جلد، چاپ ۱۹۹۰؛
۱۳. امپراتوری بیزانس، تألیف رابرت بروینگ، چاپ ۱۹۹۲؛
۱۴. بیزانس و سرزمین اروپا، تألیف فرانس دلگر، چاپ ۱۹۷۶؛
۱۵. تاریخ تمدن بیزانس، تألیف اج - دبليو - هوسينگ، چاپ ۱۹۷۱؛
۱۶. مردم و قدرت در بیزانس، تألیف الکساندر کاژدان و کنستابل، چاپ ۱۹۸۲؛
۱۷. بیزانس امپراتوری جدید روم، تألیف سیریل مانگو، چاپ ۱۹۸۰؛
۱۸. تمدن بیزانس، تألیف رانسیمان، چاپ ۱۹۹۴؛
۱۹. الهیات بیزانس، تألیف رانسیمان، چاپ ۱۹۷۷؛
۲۰. تاریخ امپراتوری بیزانس، تألیف واسیلیف، چاپ ۹۱۰.

(Encyclopedia Britannica, Com)

نتیجه

۱. ادبیات کهن یونانی و تواریخ دیگر توسط مورخان بیزانسی حفظ شد و زمانی که در
حوالی ۱۴۰۰ م تدریس زبان در دانشگاه‌های ایتالیا توسط محققان بیزانسی رایج شد، ایشان
اروپای غربی را با ادبیات یونان آشنا ساختند که این خود باعث ظهور تاریخ نگاری
رنسانس گردید.

۲. تاریخ نویسی یونانی که بر تاریخ نویسی روم و بیزانس و حتی اروپا تأثیر قاطع داشته است، پیشتر الفاکنندۀ نوعی حس ییگانه و دشمنی (Xenophobia) نسبت به غیر یونانیان می‌باشد؛ و تلقی این مورخان از جنگ یونانیان و ایرانیان به منزله جنگ تمدن با توحش، از همین نگرش آنان ناشی شده است.

البته این طرز فکر به یونان اختصاص ندارد و اعراب و ایرانیان و ترکها نیز از این گونه احساسات از خود نشان داده‌اند، اما مهم در اینجا آن است که این خصلت از یونان بود که بر فرهنگ روم و بیزانس تأثیر گذاشت. (زرین‌کوب، ص ۸۹)

منابع و مأخذ

پیگولوسکایا. اعراب، حدود مرزهای روم شرقی و دیوان در سده‌های چهارم - ششم میلادی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.

پروکوب. تاریخ سری. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات توسعه، ۱۳۸۱.

بیات، عزیزالله. شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

دولتشاهی، اسماعیل. تاریخ عمومی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.

زرین‌کوب، عبدالحسین. تاریخ در ترازو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.

کاسیمنسکی. تاریخ قرون وسطی. ترجمه صادق انصاری و محمد باقر مؤمنی. تهران: نشر اندیشه، ۱۳۵۸.

گیبون، ادوارد. انحطاط و سقوط امپراتوری روم. ترجمه ابوالقاسم طاهری. تهران: شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

لوکاس، هنری. تاریخ تمدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان، ۱۳۶۶. جلد اول

مویدی، حسنقلی. امپراطوری روم شرقی. مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۵.

مصاحب، غلامحسین. دایرة المعارف فارسی مصاحب. تهران: کتابهای حسینی، ۱۳۵۶.

نوذری، عزت‌الله. اروپا در قرون وسطی. شیراز: نوید، ۱۳۷۳.

وبل دورانت. تاریخ تمدن عصر ایمان. ترجمه ابوطالب صارمی ابوالقاسم پاینده - ابوالقاسم طاهری. تهران: شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

بروفه یف. تاریخ چیست. ترجمه محمد تقیزاد. تهران: نشر جوان، ۱۳۶۰.

14. Hussey, J.M. *The Cambridge Medieval History*. London: Cambridge University. 1966.

15. *Encyclopaedia Britannica*. V 4. 1973.

16. *Encyclopaedia Americana*. V 5.

17. Levick Barbara, *The Government Of The Roman Empire*. London: 1955. 18.
Encyclopaedia Britannica, Com (Internet)